



در حاشیه پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت «روز ملی خلیج فارس»

نوشتاری از حجت‌الاسلام محمد ملک زاده عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای درباره خلیج فارس را می‌توان بخشی از منطق کلان جمهوری اسلامی در فهم هویت تاریخی، امنیت منطقه‌ای، استقلال ملی و آینده نظم ژئوپلیتیکی غرب آسیا تلقی کرد. در این نگاه، خلیج فارس، ترکیبی از هویت، تاریخ، ثروت، امنیت، تمدن و اقتدار ملی است. سرفصل‌های مورد اشاره، در مجموع تصویری از یک دکترین منطقه‌ای ارائه می‌کند که در آن، ایران نه به‌عنوان یک بازیگر منفعل، بلکه به‌عنوان قدرتی ریشه‌دار، مسئول و آینده‌ساز معرفی می‌شود. در این پیام راهبردی چند نکته را می‌توان مورد توجه قرار داد.

۱. خلیج فارس به‌عنوان نعمتی راهبردی و هویتی

در پیام رهبر معظم انقلاب، خلیج فارس پیش از آنکه یک مسئله صرفاً جغرافیایی تلقی شود، به‌مثابه نعمت الهی، میراث تاریخی و سرمایه هویتی ملت ایران فهم می‌شود. اهمیت خلیج فارس فقط در منابع انرژی، موقعیت کشتیرانی و تجارت جهانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه این پهنه، بخشی از حافظه تاریخی و شناسنامه تمدنی ایران است.

نام خلیج فارس، در این چارچوب، یک اسم معمولی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از استمرار تاریخی، حضور تمدنی و ریشه‌داری ملت ایران در این منطقه است؛ از این‌رو هرگونه تلاش برای تحریف نام، هویت یا جایگاه آن، صرفاً یک خطای لفظی نیست؛ بلکه نوعی تعرض به حقیقت تاریخی و حقوق فرهنگی یک ملت تلقی می‌شود.

در بعد راهبردی نیز خلیج فارس، یکی از حساس‌ترین مناطق

ادامه از صفحه قبل

• **آیا انتخاب شخصی رهبر توسط مجلس خبرگان، برای تمامی آحاد جامعه و همچنین سایر مجتهدان «حجبت شرعی» دارد؟**
با توجه به کثرت فقها و مجتهدان در حوزه‌های علمیه- اعم از کسانی که عضو مجلس خبرگان هستند یا نیستند و یا حتی افرادی که در مرتبه علمی بالاتری (مانند مرجعیت) قرار دارند- آیا تبعیت و اطاعت از منتخب خبرگان، بر همگان الزامی و دارای اعتبار شرعی است؟

تفاوت فتوا و حکم در فقه اسلامی

• از منظر شرعی، تصدی مناصبی که مستلزم صدور «حکم شرعی» است- از قضاوت در پرونده‌های ساده حقوقی گرفته تا تصمیم‌گیری در امور کلان حاکمیتی نظیر جهاد، صلح و تنظیم روابط بین‌الملل- نیازمند درجه اجتهاد جامع‌الشرایط است. در نظام فقهی، تمایز دقیقی میان دو مقوله «فتوا» و «حکم» وجود دارد؛ فتوا به‌معنای بیان نظرات تخصصی مجتهد درباره قواعد کلی اسلام است؛ برای نمونه، مجتهد تبیین می‌کند که شرایط وجوب جهاد چیست یا حدود سرتقت چگونه تعریف می‌شود. این فتاوا که در رساله‌های عملیه مکتوب شده‌اند، ممکن است میان مجتهدان مختلف متفاوت باشند و از نظر شرعی، فتوای هر مجتهد تنها برای خود او و مقلدانش حجت و لازم‌الاجراست. اما حجیت فتوای یک مجتهد برای سایر مکلفان، مشروط به احراز صلاحیت‌های اوست. این احراز از طریق اطمینان شخصی مکلف، احراز «اعلمیت» و یا شهادت اهل خبره صورت می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که اگر دو مجتهد یا دو خبره عادل بر اجتهاد یا اعلمیت کسی گواهی دهند، برای مکلف حجیت شرعی ایجاد می‌شود؛ بنابراین، پیروی از مرجع تقلید بر پایه میل شخصی نیست؛ بلکه تکلیفی شرعی و مستند به گواهی اهل خبره است که در صورت احراز، تبعیت از آن جنبه الزامی پیدا می‌کند.

حکم؛ تعیین تکلیف در مسائل اجرایی و مصادیق

در فقه اسلامی، مقوله‌ای به‌نام «حکم» وجود دارد که ماهیت آن با «فتوا» متفاوت است. حکم ناظر به تشخیص مصادیق خارجی و اتخاذ تصمیمات اجرایی است؛ برای نمونه، درحالی‌که فتوا حکم کلی سرتقت را بیان می‌کند، «حکم» مشخص می‌کند که آیا در مورد یک فرد خاص، شرایط اجرای حد شرعی فراهم است یا خیر. در موضوع جهاد نیز، اسلام شرایط کلی را در قالب فتوایبان کرده است؛ اما تعیین تکلیف در موارد جزئی و روزآمد، نیازمند صادرشدن حکم است؛ مسائلی نظیر اینکه آیا امروز وظیفه داریم در جبهه‌هایی مانند غزه مستقیماً وارد جنگ شویم؟ و یا اینکه در میدان‌های نظامی، تکلیفی بر عهده عامه مردم است یا صرفاً نیروهای مسلح باید وارد عمل شوند؟ نمونه بارز این مسئله در دوران دفاع مقدس مشاهده شد که امام راحل با صدور حکمی، جهاد را واجب کفایی اعلام کردند و بر این اساس، حضور در جبهه‌ها فراتر از وظایف سازمانی نیروهای نظامی، برای واجدین شرایط الزامی گشت.

جایگاه حاکم شرع و اعتبار تاریخی احکام حکومتی

صدور حکم منحصرأ در صلاحیت «حاکم شرع» است. شایان ذکر است که حتی

رهبر انقلاب به این سابقه تاریخی، درواقع یک هشدار راهبردی به این نکته است که بیگانگان هرگز از منظر خیرخواهی وارد منطقه نشده‌اند؛ بلکه حضور آنان همواره با غارت منابع، تحقیر ملت‌ها، ایجاد شکاف و تثبیت وابستگی همراه بوده است؛ بنابراین، شناخت گذشته، مقدمه فهم درست اکنون و آینده خلیج فارس است.

۳. نقش و جان‌فشانی ملت ایران

در این تبیین، ملت ایران به‌عنوان پاسدار اصلی هویت و امنیت خلیج فارس معرفی می‌شود. این نقش، صرفاً یک ادعا نیست؛ بلکه برآمده از واقعیت تاریخی و هزینه‌هایی است که ملت ایران در دوره‌های مختلف برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی و امنیت منطقه پرداخته است. در دوران دفاع مقدس، یکی از عرصه‌های مهم رویارویی، همین جغرافیای جنوب و آب‌های خلیج فارس بود. ملت ایران با مقاومت، فداکاری و تقدیم شهیدان فراوان نشان داد که در برابر تجاوز و سلطه‌طلبی، اهل عقب‌نشینی نیست. از این منظر، امنیت امروز خلیج فارس را باید تا حد زیادی مرهون ایستادگی و جان‌فشانی فرزندان این ملت دانست. تأکید بر نقش ملت ایران، به این معنا نیز هست که خلیج فارس با حضور مردمی که خود را صاحب این سرزمین و این دریا می‌دانند، امن می‌ماند؛ نه با ناوهای بیگانه‌ای که حضورشان منشأ تهدید است.

۴. انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه عطف

پیام رهبر انقلاب به‌مناسبت روز ملی خلیج فارس، انقلاب اسلامی را یک نقطه عطف تاریخی در معادلات خلیج فارس می‌داند. پیش از انقلاب، رژیم پهلوی در بسیاری از موارد در چارچوب نظم مطلوب قدرت‌های غربی عمل می‌کرد و استقلال واقعی در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای وجود نداشت؛ اما انقلاب اسلامی این معادله را به‌طور بنیادین تغییر داد. با انقلاب، ایران از یک بازیگر وابسته به یک قدرت مستقل، هویت‌محور و ضدسلطه تبدیل شد. این تحول فقط در سیاست داخلی معنا نداشت؛ بلکه در فهم امنیت خلیج فارس نیز اثر گذاشت. از این پس، ایران اعلام کرد که امنیت منطقه باید به دست کشورهای منطقه تأمین شود و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه لازم است و نه مفید. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی، خلیج فارس را از منظر راهبردی از یک حوزه تحت نفوذ قدرت‌های خارجی، به یک مسئله مرتبط با استقلال ملت‌های منطقه و مقاومت در برابر سلطه تبدیل کرد.

۵. بیداری ملت‌های منطقه و اثبات ناامن‌کننده‌بودن حضور آمریکا

یکی از نکات کلیدی این پیام، تأکید بر این واقعیت است که تجربه تاریخی منطقه نشان داده، حضور آمریکا نه عامل امنیت، بلکه منشأ ناامنی، بی‌ثباتی و بحران‌سازی بوده است. هر جا آمریکا با شعار حفظ امنیت وارد شده، در عمل شکاف‌های جدید، رقابت‌های تسلیحاتی، وابستگی سیاسی و تنش‌های مزمن را گسترش داده است. در سال‌های اخیر، ملت‌های منطقه بیش از گذشته به این حقیقت آگاه شده‌اند. ناکامی پروژه‌های آمریکایی در غرب آسیا، بی‌ثباتی‌های ناشی از مداخلات نظامی، حمایت از رژیم‌های متجاوز و بهره‌برداری از اختلافات داخلی، همگی موجب شکل‌گیری نوعی بیداری منطقه‌ای شده است. بنابراین ملت‌های منطقه اکنون به این حقیقت رسیده‌اند که امنیت خریدنی نیست و با تکیه بر قدرت‌های خارجی به دست نمی‌آید؛ بلکه امنیت پایدار، از دل همکاری منطقه‌ای، احترام متقابل و اخراج مداخله‌گران حاصل می‌شود.

جایگاه رهبری در ایران

مقایسه فقهی، تاریخی و سیاسی

با نظام‌های جهانی و لزوم تبعیت از ولی فقیه

 حجت‌الاسلام مهدی ابوطالبی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

آیت‌الله العظمی آقا محمد تقی مصباحی‌مدنی، مرجع تقلید شیعه

در دوره‌هایی (مانند دوران قاجار یا پهلوی) که امکان تشکیل حکومت رسمی فراهم نبود، فقه‌ا بر اساس جایگاه حاکمیت شرعی خود، احکام حکومتی صادر می‌کردند. از نمونه‌های تاریخی این رویکرد می‌توان به حکم جهاد فقها در جریان حمله روس ها به ایران و یا حکم مشهور تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی اشاره کرد که همگی از سنخ «حکم» و لازم‌الاجرا برای همگان بودند. در ماجرای تحریم تنباکو، میرزای شیرازی درحالی‌که در سامرا اقامت داشت و رسماً به‌عنوان ولی فقیه معرفی نشده بود، حکمی صادر کرد که ابعاد فقهی و سیاسی گسترده‌ای داشت. در آن زمان، وقتی از برخی مراجع تقلید درباره تکلیف مقلدان در قبال این دستور سؤال شد، پاسخ دادند که این دستور یک «حکم» است و تبعیت از آن بر تمامی مجتهدان نیز لازم‌الاجراست. برای نمونه، میرزاحسن آشتیانی، مجتهد برجسته تهران، صراحتاً تأکید کرد که این مسئله از سنخ فتوا نیست؛ بلکه حکمی حاکمیتی است و همه، از جمله علمای تراز اول، تابع آن هستند.

حجیت شرعی در انتخاب خبرگان و تصدی امر حکومت

در همین چارچوب، وقتی مجلس خبرگان بر اساس شواهد و انطباق ویژگی‌های روایی، فردی را واجد شرایط ولی فقیه و حاکم شرع تشخیص می‌دهند، شهادت جمعی این مجتهدان برای جامعه حجیت شرعی ایجاد می‌کند. این موضوع حتی از نمونه تاریخی میرزای شیرازی نیز فراتر می‌رود؛ چراکه مستقیماً به مسئله تصدی امر حکومت و نظم‌بخشی به شئون جامعه مربوط است. از منظر فقهی، مبنای این لزوم تبعیت، قاعده «اولویت تصدی» است. همان‌طور که در زمان میرزای شیرازی با وجود تعدد مراجع، پیش‌دستی ایشان در صدور حکم موجب شد تا دیگران حق مخالفت علنی نداشته باشند، در نظام سیاسی نیز تصدی مسئولیت توسط رهبر، چنین الزامی ایجاد می‌کند.

لزوم تبعیت از حاکم و حفظ نظم عمومی

بر اساس دیدگاه فقهایی همچون شهید صدر، حتی اگر مجتهدی یقین داشته باشد که حاکم شرع در صدور حکمی دچار خطا شده است، باز هم به جهت

۶. آینده خلیج فارس بدون آمریکا

چشم‌انداز خلیج فارس بدون آمریکا، اشاره به نظم نوینی دارد که در آن تصمیم‌گیری درباره امنیت، تجارت، انرژی و همکاری‌های دریایی، به‌دست خود ملت‌ها و دولت‌های منطقه انجام می‌شود. در این نگاه، خروج آمریکا از معادلات خلیج فارس نه‌تنها موجب خلأ امنیتی نیست؛ بلکه برعکس، مقدمه شکل‌گیری امنیت بومی و مسئولانه است. حضور آمریکا به‌دلیل ماهیت سلطه‌گرانه‌اش، همواره باعث بی‌اعتمادی، صفت‌بندی، مسابقه تسلیحاتی و وابستگی بوده است. در مقابل، آینده بدون آمریکا می‌تواند مبتنی بر گفت‌وگو، موازنه طبیعی، منافع مشترک و همکاری‌های منطقه‌ای باشد. این چشم‌انداز، البته نیازمند اراده سیاسی دولت‌های منطقه و عبور از ذهنیت‌های القاشده توسط قدرت‌های خارجی است.

۷. هم‌سرنوشتی با همسایگان و رد بیگانگان

در پیام رهبر انقلاب، همسایگان ایران نه رقیبان ذاتی، بلکه شرکای جغرافیایی و تاریخی تلقی می‌شوند. منطق حاکم بر این دیدگاه، منطق هم‌سرنوشتی منطقه‌ای است؛ یعنی ملت‌هایی که یک پهنه آبی، یک محیط امنیتی و مجموعه‌ای از منافع مشترک دارند، ناگزیر باید سرنوشت خود را به همکاری و تفاهم گره بزنند، نه به بیگانگان. رد بیگانگان در این چارچوب، به‌معنای نفی رابطه با جهان نیست؛ بلکه به‌معنای رد مداخله سلطه‌گرانه و امنیت‌سازی نیابتی است. کشورهای منطقه اگر به ظرفیت‌های خود اعتماد کنند، بهتر از هر قدرت خارجی می‌توانند سازوکارهای حفظ امنیت و توسعه را طراحی کنند. این نگاه، از ایران چهره یک کشور مسئول ارائه می‌دهد که آینده منطقه را در همکاری با همسایگان می‌بیند، نه در حذف آنان یا هژمونی طلبی علیه آنان.

۸. سرمایه‌های ملی و توانمندی‌های ایران

یکی دیگر از ارکان این پیام، تأکید بر ظرفیت‌های درونی ایران است. ایران برای ایفای نقش مؤثر در خلیج فارس، از سرمایه‌های متنوع انسانی، تاریخی، جغرافیایی، نظامی، اقتصادی و تمدنی برخوردار است. موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران، تسلط بر سواحل طولانی، اشراف راهبردی بر تنگه هرمز، تجربه تاریخی دریانوردی، توان دفاعی بومی، نیروی انسانی متخصص و پشوانه مردمی، همگی از عناصر قدرت ملی ایران به‌شمار می‌روند. این توانمندی‌ها موجب می‌شوند که ایران در معادلات خلیج فارس یک بازیگر طبیعی، مشروع و تأثیرگذار باشد. تأکید بر این سرمایه‌ها، درواقع بیان این حقیقت است که ایران برای دفاع از منافع ملی و کمک به امنیت منطقه، از ظرفیت واقعی برخوردار است و نیازمند تکیه بر بازیگران بیرونی نیست.

۹. مدیریت جدید تنگه هرمز به سود ملت‌های منطقه

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های راهبردی جهان است و طبیعی است که در پیام رهبر انقلاب، جایگاهی ویژه داشته باشد. مقصود از مدیریت جدید را می‌توان گذار از الگوی امنیت‌سازی خارجی به مدیریت منطقه‌محور، مسئولانه و عادلانه دانست. این مدیریت شامل نظم جدیدی است که امنیت تنگه هرمز را به‌نفع کشورهای ساحلی و منطقه‌ای حفظ خواهد کرد. ایران به‌دلیل جایگاه جغرافیایی و توان راهبردی خود، می‌تواند در شکل‌دهی به چنین نظمی نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. این نقش، اگر در قالب همکاری منطقه‌ای تعریف شود، نه‌تنها به‌سود ایران، بلکه به‌سود همه ملت‌های منطقه خواهد بود.

